

او که در زمان و مکان نگنجید ...

گاهی در میان کلمات «جبران»، ملیت او را فراموش می‌کنم و ناخواسته وی را با فرهنگ خود یکی می‌دانم. شاید این احساس برای بسیاری مردمان، در نقاط مختلف این گستره‌ی خاکی غریب نباشد. سخن او وجه مشترک تمامی انسانهاست و برای همگان آشنا.

آثار «جبران» یک خصیصه دیگر دارد که از بسیاری متمایزش می‌سازد: کتابهای او ابتدا و انتها ندارد. هرگاه و از هر نقطه می‌توان شروع کرد بدون آنکه احساس غربت نمود و هر لحظه می‌توان آن را به پایان رساند بی‌هیچ دغدغه‌ای. نمی‌دانم، ولی فکر می‌کنم در سالهای بعد که از جبران بیش از سده‌ها گذشته است نیز، سخن او تازه‌گی داشته باشد و برای مردمان آن روزگار، طراوت. به هر حال امروز که چنین است و در وانفسای زندگی مدرن، که همگان خواسته و ناخواسته، در میان حصارهایی از ناباوری‌ها گرفتار آمده‌اند، «جبران» یک دلگرمی است. کلام او نهیب است بر وجدان انسانها که آنچه را از یاد برده‌اند و آنچه را بوده‌اند به یاد آوردند.

او انسانها را پند و اندرز نمی‌دهد و شعار گونه از خصائل انسانی سخن نمی‌راند. بلکه او داستان می‌گوید و شعر می‌سراید تا چون نجوای لطیف کودکانه بردل نشیند و اثر گذارد. و شاید راز ماندگاری و وسعت اثرگذاری او همین باشد که همگان را انسان می‌بیند و خود را یکی از ایشان.

به هر حال امروز با «نُه کتاب» مجموعه‌ای از آثار او را تقدیم شما می‌کنیم که در بسیاری از کشورها با نام «گنجینه خلیل جبران» به چاپ رسیده و از استقبال بی‌نظیری برخوردار بوده است. پس امیدواریم در کشور ما نیز این اثر به آنچه در خور آن است دست یابد. ما همچنان امیدواریم و انسان به امید زنده.

بهمن رحیمی

آبان ۸۱ - تهران